

■ پژوهشی در چگونگی نگارش «رقم صفر»

در «تاریخ کتابت» اسناد دوران قاجار

محبوبه سادات بیدگلی

چکیده ■

هدف: پژوهش حاضر در پی مشخص کردن انواع شکل‌های تحریری «تاریخ هجری قمری» در اسناد دوران قاجار، براساس تغییرات به وجود آمده در نگارش «عدد صفر» و بررسی دلایل آن است. همچین، بررسی‌های مقایسه‌ای با متون علمی ریاضی در دوران قاجار، بهمنظور یافتن شواهد احتمالی وجود این سیک نگارش اعداد در متون علمی و نیز خواص عدد صفر و نحوه جایگزینی و عملکرد آن در سلسله اعداد از دیدگاه این متون از اهداف دیگر پژوهش حاضر است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش با گزینش تصادفی ۱۰۰۰ بگ سند تاریخ‌دار دوران قاجار؛ از یک دوره زمانی حدوداً ۱۵۰ ساله؛ از چهار منطقه مرکز، فارس، شمال، و شمال‌غرب ایران صورت گرفته است. روش و رویکرد پژوهش حاضر، بررسی ثبت و ضبط تاریخ‌های اسناد و طبقه‌بندی اشکال تحریری آنها با روش آماری و نیز مطالعات مقایسه‌ای و کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش: در بررسی‌ها، چهار شیوه تحریری گوناگون برای تاریخ کتابت اسناد، در مناطق چهارگانه، و با میزان تکرار متفاوت مشخص گردید. اشکال تحریری مشخص شده (با ویژگی تغییرات عدد صفر) در اسناد تمامی مناطق، بجز شمال‌غرب (به‌دلیل محدودیت اسناد بررسی شده) وجود داشت. عملکرد صفر در متون علم حساب در دوران قاجار، پیرو منطق ریاضی است. این نسخه‌ها، ضمن پرداختن به خواص و ویژگی‌های عدد صفر و نحوه عملکرد و اهمیت آن در سلسله اعداد، دریاره امکان حذف یا اضافه‌نویسی این عدد در يك مقدار عددی اشاره‌ای نداشتند. تنها ویژگی جابجایی صفر، البته در مرتبه مکانی خود و بدون تغییر مقدار و کمیت عدد-توسط نویسنده یک از این متون به کار رفته بود. تغییرات نگارش تاریخ کتابت اسناد در اثر تغییر و دستکاری رقم صفر، ناشی از شیوه‌های فردی و سلایق شخصی کاتبان در نویسنده، نیاز به تندنویسی و شکسته‌نویسی، به‌دلیل حجم زیاد اسناد و شاید کم دقیق ناشی از آن و در برخی موارد کمبود فضای نگارش صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها

صفر/تاریخ هجری قمری/اسناد تاریخی/قاجار/عددنویسی مکانی/
متون ریاضی/کاتبان.

تحقیقات تاریخی

فصلنامه‌گنجینه/اسناد: سال بیست و سوم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۹۲)، ۴۲-۲۴.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۰

پژوهشی در چگونگی نگارش «رقم صفر» در «تاریخ کتابت» اسناد دوران قاجار

محبوبه سادات بیدگلی

مقدمه

یکی از عناصر مهم موجود در اسناد تاریخی، تاریخ کتابت سند است. تاریخ معمولاً در پایان متن اصلی سند و در مواردی در حواشی و سجلات آن و گاهی نیز ضمن توضیحاتی مکمل در ظهر(پشت) سند نگاشته می شد. ذکر تاریخ در اسناد(در دوران قاجار) بیشتر به شیوه هجری قمری و گاهی به صورت عبارت(تحریراً فی شهر... سنه...) بوده و گاهی نیز نام سال های ترکی ذکر می شد(قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۲۴۰).

تاریخ نگارش در یک سند به روشن شدن حقایق موجود در متن سند کمک بسیاری می کند. همچنین، اگر تاریخ ذکر شده باشد می توان در معرفی سند از آن استفاده کرد و در غیراین صورت باید تاریخ سند را از روی شواهد و قرائن مذکور در متن سند تعیین کرد، که معمولاً اصطلاحات اجتماعی و اداری، اشارات تاریخی، اسمای اماکن و اعلام جغرافیایی، خط طغراها و شکل آنها، سجع مهرها، آداب نگارش، و روش صدور اسناد را شامل می شوند(قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۳۳).

اهمیت تاریخ نگارش در یک سند، از لحاظ حقوقی و اعتبار نوشته، لزوم دقت در درست نویسی آن را ایجاب می کرد؛ به طوری که هرگونه بی توجهی یا بی دقیقی کاتب یا نگارنده سند در هنگام نگارش، می توانست موجب خدشه دار شدن اعتبار سند و مسائل حقوقی مربوط به آن در دوران معاصر خود گردد. این موضوع، در حال حاضر نیز می تواند مورخان، سند پژوهان، و فهرست نویسان اسناد تاریخی را با مشکل تشخیص تاریخ سند مواجه سازد.

۱. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ تهران؛ ایران
mahboobeh_sadat_61@yahoo.com

اما جالب آنکه بررسی در بسیاری از اسناد تاریخی، بهویژه در دوران قاجار، بیانگر نوسانات مختلف در شیوه کتابت تاریخ آنهاست؛ به طوری که در برخی موارد، پژوهشگر را با مشکل پیش گفته (تشخیص تاریخ) مواجه می‌سازد. در تاریخ کتابت اسناد این دوران، بهویژه تاریخ هجری قمری، آنچه که گاهی مشاهده می‌شود، نوعی بازی یا دستکاری کاتب در نوشتمن یا ننوشتمن عدد صفر(۰)، اضافه‌نویسی، یا جایه‌جایی آن است که سبب ایجاد تاریخ‌های مبهم، ناقص، و غیر قابل تشخیصی به‌شکل سه رقمی مانند «۱۲۵»؛ پنج، شش یا هفت رقمی مانند «۱۳۰۱۰» و «۱۳۰۲۰۱»؛ و دیگر اشکال شده است.

هدف پژوهش حاضر آن است که با فراهم‌آوری یک جامعه‌آماری از اسناد تاریخی این دوران، از میان انواعی چون مبایعه‌نامه، مصالحه‌نامه، اجاره‌نامه، و کالت‌نامه، قبله نکاح، مزارعه‌نامه، تقسیم‌نامچه، شراکت‌نامچه، مقاطعه‌نامه، استشهادانمه، قرارداد، اقرارنامه، ذمه‌نامه، خطاب‌نامچه، استفتاء، التزام‌نامه، هبه‌نامه، وصیت‌نامه، مراهنه‌نامه، باطل‌نامچه، تمسک‌نامچه، اجیر‌نامه، اسناد اخوانی (مکاتبات شخصی)، نسخ پزشکی، تلگرافات، کتابچه‌های جمع و خرج، صورت حساب‌ها و نیز برخی اسناد دیوانی مانند احکام، میزان تکرار این موضوع را در آنها بررسی کرده و شیوه‌های مختلف کتابت تاریخ (هجری قمری) در اسناد را براساس تغییرات نگارشی عدد صفر (۰) مشخص نماید. همچنین، بررسی دلایل وقوع این مسئله در اسناد و نیز مطالعات مقایسه‌ای در متون و نسخ خطی مربوط به علم حساب در دوران قاجار، بهمنظور یافتن شواهد احتمالی این موضوع در متون علمی و بررسی خواص و ویژگی‌های عدد صفر از منظر این کتاب‌ها از اهداف دیگر این پژوهش است.

براین اساس پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر است:
تغییرات نگارشی عدد صفر در تاریخ کتابت اسناد دوران قاجار به چه علت بوده است؟

و پرسش‌های دیگر عبارت‌اند از:

۱. به طور کلی عدد صفر با چند نوع تغییرات نگارشی در تاریخ کتابت اسناد مشاهده می‌شود؟
۲. شیوه‌های مختلف نگارش عدد صفر در گروهی از اسناد با یک منشأ جغرافیایی مشخص به چه میزان تکرار می‌شود؟
۳. آیا این موضوع ممکن است در متون علمی مربوط به حساب و ریاضی در دوران قاجاریه نیز اتفاق افتاده باشد؟



۴. متون و نسخ خطی ریاضی و علم حساب در دوران قاجار درباره خواص عدد صفر و نحوه جایگیری و عملکرد آن در مجموعه اعداد چه اطلاعات دیگری به دست می‌دهند؟

فرضیه اصلی نیز چنین است:

شیوه‌های مختلف نگارش عدد صفر در تاریخ کتابت اسناد برآمده از فنون، شیوه‌ها، و سلایق فردی کاتبان در امر نویسنده بوده است. و فرضیهٔ فرعی آنکه:

این شیوه نگارش اعداد، در متون علمی ریاضی دوران قاجار نیز وجود داشته است.

پیشینهٔ پژوهش

بررسی و مطالعه در تحقیقات و منابع سندپژوهی و سندشناسی دوران معاصر، سابقه‌ای از بررسی و پیگیری موضوع مورد نظر را به دست نمی‌دهد. دراین میان، برخی منابع و کتاب‌ها با زمینهٔ عدد شناسی و علم الاعداد نیز مورد بررسی قرار گرفتند. اینگونه منابع تنها اعداد را از دیدگاه سمبولیسم، طالع‌بینی، و تقدیرشناسی مورد بررسی قرار داده و به بیان خواص و ویژگی‌های سمبولیک آنها پرداخته بودند. برخی نیز به اعدادی اشاره داشتند که در فرهنگ اسلامی مقدس به شمار می‌روند مانند ۴، ۷۰، ۱۴، ۷ و جز آن. درنتیجه، درخصوص عدد صفر اطلاعات بسیار اندکی وجود داشت که البته در ارتباط مستقیم با موضوع مورد بحث مقاله نیز قرار نداشتند.^۱ نگارنده، برای انجام پژوهش حاضر به یافته‌های خود در اسناد مورد بررسی و نیز مطالعات مقایسه‌ای با متون علم حساب در دورهٔ قاجار متکی بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد آماری و براساس انتخاب مجموعه‌ای از ۱۰۰۰ برگ سند تاریخ دار دوران قاجار از مجموعه اسناد خربداری شده آرشیو ملی ایران، مربوط به چهار منطقهٔ جغرافیایی مرکز، فارس، شمال غرب، و شمال کشور صورت گرفته است. این اسناد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و اشکال تحریری گوناگون کتابت تاریخ در آنها براساس تغییرات نگارشی عدد صفر، به صورت جداگانه و به تفکیک مناطق، در جداولی طبقه‌بندی شدند. همچنین، بررسی چندین نسخه خطی با موضوع حساب و ریاضی در دوران قاجار، با هدف یافتن اطلاعاتی از عدد صفر و خواص و ویژگی‌های آن در سلسله اعداد و نیز احتمال وجود شواهدی از این نوع شیوه نگارش اعداد در آنها از مطالعات مقایسه‌ای

۱. برخی از این منابع عبارت‌اند از: آشلی، جویس (۱۳۷۹)، «اعداد و تقدیر» (میرجلایرانی؛ مترجم)، تهران: نگارستان کتاب و نیز آقا شریف، احمد (۱۳۸۳)، «اسرار و رموز اعداد و حروف»، تهران: نشر شهید سعید مجتبی.



این پژوهش می‌باشد. سایر اطلاعات نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است.

تاریخچه پیدایش صفر

صفر به معنای خالی ترجمه [واژه] سانسکریت صونیا^۱ در ریاضی هند و عربی، معادل زرو^۲ در فرانسه، و ریشه کلمات غربی سیفرا^۳ و تریفر^۴ و مشتقات آنهاست (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۴۹۶). این کلمه، در فرهنگ ریاضیات پایه، با عنوان کلمه‌ای تعریف شده است که به معنای «هیچ» یا «فاقد کمیت» است (مختاری اسکی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴). همچنین، صفر در ریاضیات، یگانه عددی است که با هر عدد جمع شود همان عدد حاصل[می] گردد (صاحب، ۱۳۸۰، ج ۲، بخش اول، ص ۱۵۶۸).

تاریخ پیدایش صفر به طور دقیق مشخص نیست، ولی آنچه بیشتر مورد پذیرش است آن است که صفر و علامت آن نخستین بار از ریاضیات هندی به عربی راه یافته است. هندیان، از حدود ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد، در زمان فرهنگ‌های مومن‌جودار و هارپا در ریاضیات چیره‌دست بودند. سیستم دقیق اوزان و مقادیر، استفاده از طرح‌های منظم در شهرسازی و اندازه‌یکسان آجرهای به کاررفته در این شهرها تا حدودی نشان دهنده ذهن فعال ریاضی آنهاست (سالوی، ۱۳۷۶، ص ۴).

هندی‌ها، در ابتدا، برای ساختن اعداد از انگشتان دست استفاده می‌کردند که سبب پیدایش دستگاه شمارش دهدی شد. اما چون مجبور شدند تعداد زیادی اعداد بزرگ‌تر را به صورت کلمه بنویسن، به شیوه «عددنویسی مکانی یا موضعی» روی آوردند^۵ (سالوی، ۱۳۷۶، ص ۶).

اما عددنویسی براساس ارزش مکانی اعداد، تا زمانی که صفر به آن افزوده نشده بود، رونقی پیدا نکرد. در حقیقت، عددنویسی مکانی بدون صفر معنی ندارد؛ زیرا صفر است که باعث می‌شود برای مثال عدد ۲۶ با ۲۰۶ یا ۲۰۰۶ متفاوت باشد. در حقیقت، مکان صفر در عدد، معنای تازه‌ای به آن می‌دهد (سالوی، ۱۳۷۶، صص ۴-۷).

در دوران اسلامی و در زمان منصور خلیفه عباسی، در قرن دوم ق. / هشتم م.، متون زیادی از علوم گوناگون از جمله ریاضیات برای مطالعه به بغداد انتقال یافت و این متون به عربی نیز ترجمه شد. بهاین ترتیب، صفر و شیوه عددنویسی مکانی از هند وارد دنیا اسلام شد و در سرزمین‌های دیگر رواج یافت^۶.

اما رواج گسترده‌این ارقام در دنیای اسلام، مرهون ریاضی دان بزرگ اسلامی، خوارزمی (قرن دوم و سوم ق. / هشتم و نهم م.) است که در دارالعلم مأمون در بغداد عضویت داشت. وی، در اثر معروفش به نام حساب الجبر والمقابلة، ارقام هندی را به همگان شناساند (سالوی، ۱۳۷۶،

۱. sunya

۲. zero

۳. cifra

۴. ziffer

۵. در این شیوه، به عنوان مثال، در عدد ۷۴۵۶ آنچه که باعث می‌شود ۷ مانند ۷ هزار باشد مکان آن در عدد است و بهاین ترتیب مکان ۴ باعث می‌شود که به معنی چهار‌هزار باشد. بنابراین، مکان هر رقم در یک عدد ارزش آن را مشخص می‌کرد (سالوی، ۱۳۷۶، ص ۶).

۶. البته ویل دورانت می‌نویسد: «تأثیح اکه می‌دانیم کهن‌ترین زمان استفاده از صفر در آسیا و اروپا در یک میلادی مرسد که تاریخ آن به ۸۷۳ به دستگاه می‌رسد و این سه سال زودتر از اولین پیدایش آن در هند است. ولی جملگی در این اتفاق دارند که اعراب این را هم از هند و گرفته و کوچک‌ترین و در عین حال با ارزش‌ترین همه ارقام یکی از راه آوردهای کمیاب هند به پشتیت است» (دورانت، ۶۰۰ ص ۱۳۷۸).



صص ۱۱-۱۲). رسالت خوارزمی در قرن ۱۲ م. / آق، در انگلستان، به زبان لاتین ترجمه شد و از آن پس ارقام هندی در اروپا به ارقام عربی معروف شد و صفر و علامت آن نیز به اروپا منتقل یافت.^۱

همچنین، در حدود قرن چهارم ق.، شخصی به نام کوشیار بن لبان^۲ در کتاب خود به نام اصول حساب هندی، درباره عدد صفر می‌نویسد: «در مرتبه‌هایی که به ازای آن عددی وجود ندارد به جای عدد، صفر گذاشته می‌شود مثل ده که جلویش صفری به جای مرتبه یکان وجود دارد و صد که جلویش دو صفر به جای یکان و دهگان وجود دارد» (باقری، ۱۳۶۶، صص ۳۲-۳۳). بنابراین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود صفر و علامت آن باید از قرون سوم و چهارم ق. در فرهنگ اسلامی و ایرانی شناخته شده و وجود داشته باشد.

دهخدا درباره شکل نگارش صفر می‌نویسد: «دایره کوچک به‌این شکل (۰) که در علم حساب برای ده چند کردن عددی به طرف راست آن عدد می‌نویستند فی زماننا در عربی و فارسی به عوض آن دایره کوچک نقطه می‌نویستند» (دهخدا، ۱۳۷۷، صص ۱۴۹۶۷-۱۴۹۶۸).

عدد «صفر» در تاریخ اسناد دوران قاجار

این مرحله بخش آماری پژوهش را شامل می‌شود؛ ازین رو، برای انجام آن و پاسخ به پرسش‌های مورد نظر، باید مجموعه‌ای از اسناد، به‌طور تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار می‌گرفت. به همین‌منظور، تعداد ۱۰۰۰ برگ سند تاریخ دار مربوط به دوران قاجار از نقاط مختلف ایران انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجاکه مجموعه‌ها به صورت تصادفی انتخاب می‌شدند از میان این ۱۰۰۰ برگ، ۶۰۱ برگ سند مربوط به منطقه مرکزی ایران (شهرهای طهران، اصفهان، کاشان، یزد، اردستان، و چهارمحال و بختیاری) هستند. ۱۷۵ برگ مربوط به منطقه فارس، ۵۵ برگ مربوط به شمال غرب (آذربایجان)، و ۱۶۹ برگ مربوط به شمال ایران (مازندران و گیلان) می‌باشند. نوع اسناد انتخاب شده به‌طورکلی عبارت‌اند از: اسناد شرعی از قبیل مبایعه‌نامه، مصالحه‌نامه، اجاره‌نامه، وکالت‌نامه، قباله نکاح، مزارعه‌نامه، شراکت‌نامچه، مقاطعه‌نامه، استشهاد‌نامه، قرارداد، اقرارنامه، ذمه‌نامه، خطاب‌نامچه، استفتاء، التزام‌نامه، هبه‌نامه، وصیت‌نامه، مراهنه‌نامه، باطل‌نامچه، تمسک‌نامچه، اجیرنامه، اسناد اخوانی (مکاتبات شخصی)، نسخ پزشکی، تلگرافات، کتابچه‌های جمع و خرج، صورت حساب‌ها و نیز برخی اسناد دیوانی مانند احکام.

این اسناد مربوط به دوره زمانی ۱۲۱۰-۱۳۵۷ قمری، یعنی یک دوره تقریباً ۱۵۰ ساله



می باشند و بخشن زیادی از دوران قاجار را شامل می شوند.

دراین مرحله، استناد مربوط به هر منطقه به طور جداگانه مشاهده و اشکال تحریری کتابت تاریخ در پایان متن اصلی، حواشی و سجلات و نیز در مواردی در ظهر سنده مورد بررسی قرار گرفتند. از میان ۱۰۰۰ برگ سنده مذکور موضوع تعییرات نگارشی عدد صفر در ۷۹ مورد (۷/۹ درصد) از استناد اتفاق افتاده بود که مورد ثبت و ضبط قرار گرفت. این موارد در ۴ شکل تحریری به شرح زیر قابل طبقه‌بندی است:

۱. جاگذاشتن صفر در میان رقم تاریخ:

دراین شکل عدد صفر در میان رقم تاریخ نوشته نشده و جای آن خالی مانده است. این نوع ذکر تاریخ در ۲۸ مورد از اسناد وجود داشت که ۱۷ مورد مربوط به منطقه مرکزی ایران، ۷ مورد مربوط به فارس، و ۴ مورد مربوط به شمال ایران بود. شمال غربی ایران در این گروه هیچ موردی را شامل نمی‌شد. نمونه اشکال تحریری دراین گروه از اسناد در جدول ۱ قابل مشاهده است.

| شمال | شمال غرب | فارس | مرکز |
|----------|----------|-----------------|-----------------|
| ۴ | | ۷ | ۱۷ |
| فونه‌ها: | | فونه‌ها: | فونه‌ها: |
| | | | ۱۳۸ |
| | | ۱۳۸ | ۱۳۶ |
| ۱۳۵ | | | ۱۳۲ |
| ۱۳۹ | | (۱۳۳) مورد(۱۳۴) | ۱۳۹ |
| ۱۳۷ | | | (۱۳۵) مورد(۱۳۶) |
| ۱۲۶ | | ۱۳۹ | (۱۳۴) مورد(۱۳۵) |
| | | ۱۲۵ | (۱۳۷) مورد(۱۳۸) |
| | | | (۱۳۱) مورد(۱۳۵) |

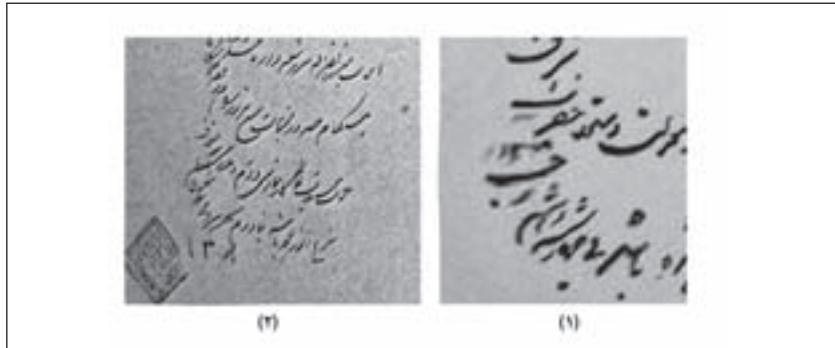
جدول ١

فراوانی بر حسب مناطق

پژوهشی در چگونگی نگارش «رقم صفر»
در «تاریخ کتابت» اسناد دوران قاجار

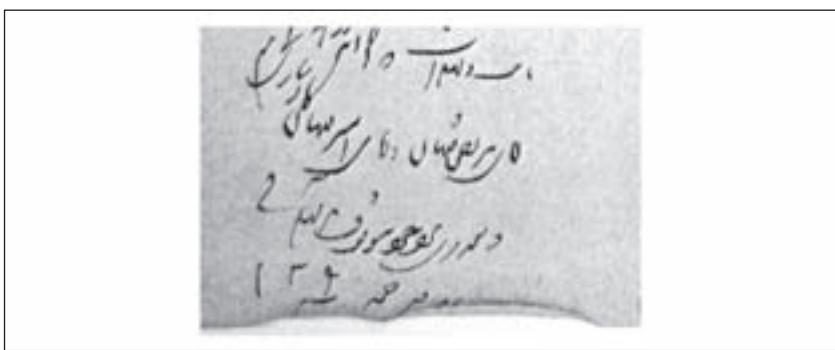
تصویر ۱

جاگنشت صفر در میان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت‌الله عبادی،
(پیش از پذراش)، ۱۳۹۰)



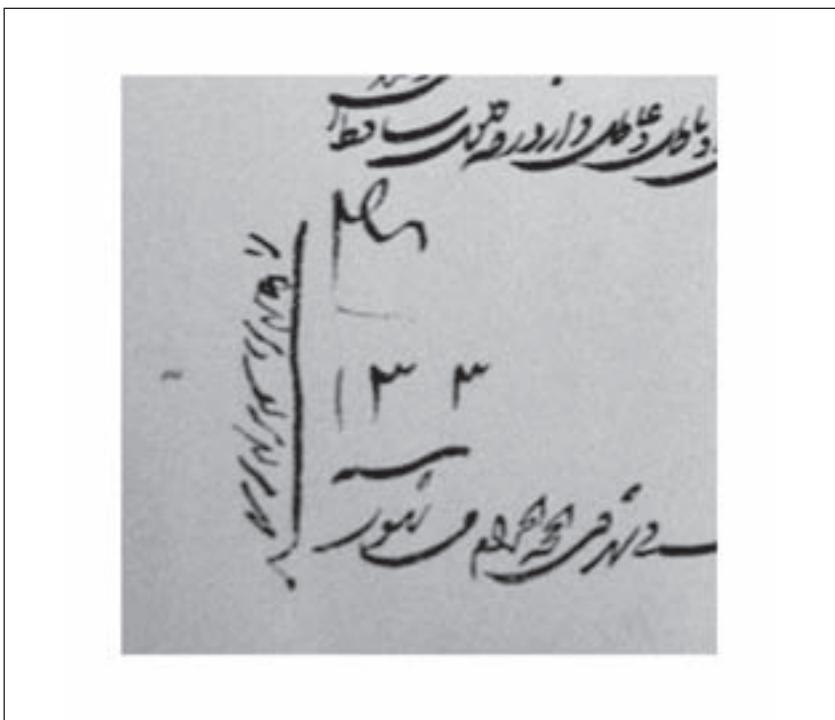
تصویر ۲

جاگنشت صفر در میان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، علی طهماسبی،
(پیش از پذراش)، ۱۳۹۰)



تصویر ۳

جاگنشت صفر در میان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت‌الله عبادی،
(پیش از پذراش)، ۱۳۹۰)



تصویر ۴

جاگنشت صفر در میان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت‌الله عبادی،
(پیش از پذراش)، ۱۳۹۰)



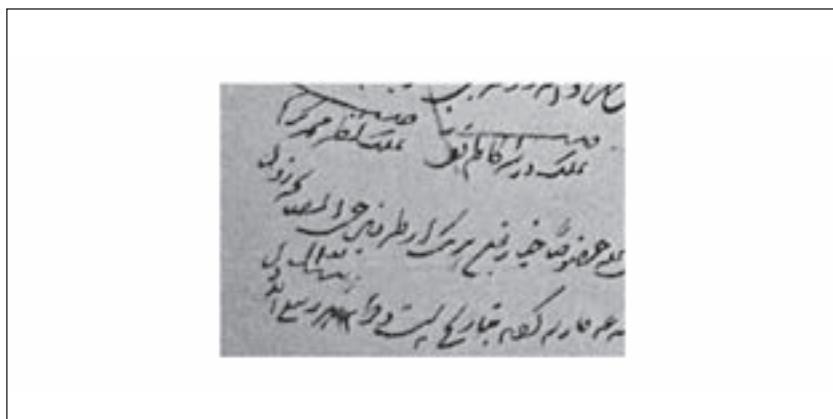
۲. جاگذاشتن صفر در پایان رقم تاریخ

در این شکل عدد صفر در پایان رقم تاریخ نوشته نشده است که البته با توجه به شواهد و قرائن دیگر موجود در سنده از قبیل تکرار تاریخ در حاشیه و سجلات آن قابل تشخیص است. آمار مربوط به این شکل نیز در مجموع ۹ مورد بود که ۷ مورد مربوط به منطقه مرکزی ایران و ۲ مورد مربوط به شمال ایران است. مناطق فارس و شمال غربی ایران هیچ موردی را به خود اختصاص نمی دادند (جدول ۲).

| شمال | شمال غرب | فارس | مرکز |
|-----------|----------|------|-----------|
| ۲ | | | ۷ |
| نمونه‌ها: | | | نمونه‌ها: |
| | | | ۱۳۳ |
| | | | ۱۲۵ |
| ۱۲۹ | . | . | ۱۲۶ |
| ۱۳ | | | ۱۳۵ |
| | | | ۱۳۱ |
| | | | ۱۲۹ |
| | | | ۱۳ |
| مجموع: ۹ | | | |

جدول ۲

فراوانی بر حسب مناطق



تصویر ۵

جاگذاشتن صفر در میان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، علیرضا
دولتشاهی، (پیش از پردازش)، (۱۳۹۰))



۳. جاگذاشتن صفر در میان یا پایان رقم تاریخ (غیر قابل تشخیص)

یکی از ابهامات اصلی، در تشخیص تاریخ، دراین گروه از اسناد وجود داشت؛ زیرا شکل نگارش تاریخ کتابت در آنها به شیوه‌ای است که هم می‌توان صفر ننوشته را در میان و هم در پایان تاریخ تصور کرد و پژوهشگر یا فهرست‌نویسی که با این قبیل اسناد مواجه می‌گردد در واقع با دو تاریخ احتمالی رو به روست. حال اگر شواهد دیگر موجود در سند از جمله زمینه و محتوای متن، نام اشخاص، اعلام جغرافیایی، سبک نگارش، سجع و تاریخ مهرها، و مانند آن کمک کننده باشند، می‌توان تاریخ را مشخص کرد یا حدس زد. این شکل تحریری کتابت تاریخ در ۱۳ سند ثبت گردید که چهار مورد مربوط به مرکز ایران، پنج مورد مربوط به فارس و چهار مورد مربوط به شمال ایران بود. منطقه شمال غرب در این گروه نیز شامل هیچ موردی نمی‌باشد (جدول ۳).

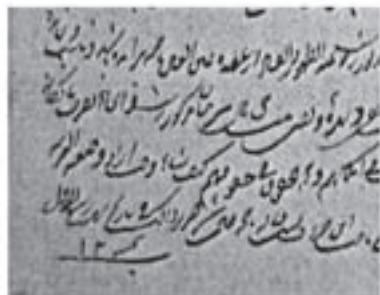
| شمال | شمال غرب | فارس | مرکز |
|------------------------|----------|------------------------|------------------------|
| ۴ مورد مُوْنَهَهَا: | | ۵ مورد مُوْنَهَهَا: | ۴ مورد مُوْنَهَهَا: |
| ۱۳۵ | | ۱۳۸ | ۱۳۸ |
| ۱۲۶ | ۰ | ۱۲۶ (مورد۲) | ۱۳۳ |
| ۱۳۶ | | ۱۲۸ (مورد۲) | ۱۲۸ (مورد۲) |
| ۱۳۴ | | | |
| مجموع: ۱۳ | | | |

جدول ۳

فرآنی بر حسب مناطق

تصویر ۶

جاگذاشتن صفر در میان رقم تاریخ
(اسناد دوران کتابخانه ملی نعمت‌الله عبادی)
(پیش از پذارش)، (۱۳۹۰)

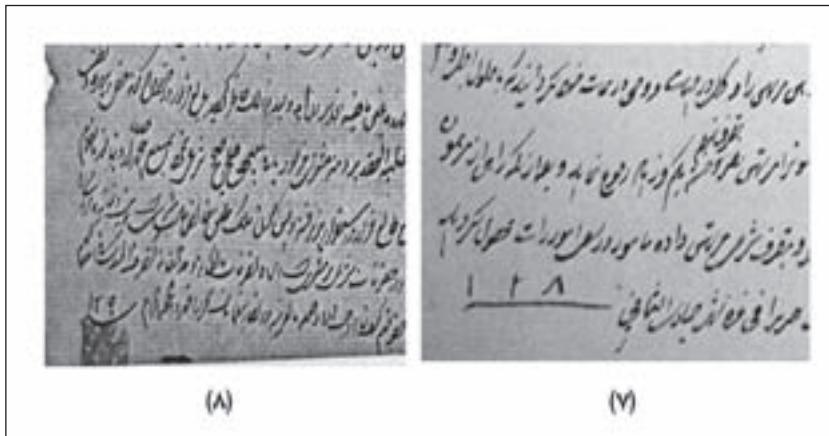


تصویر ۷

جاگذاشت صفر در میان پایپان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، علی
اصغر مقصدی، پیش از پردازش، ۱۳۹۰)

تصویر ۸

جاگذاشت صفر در میان پایپان رقم تاریخ
(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت الله
عبدی، پیش از پردازش، ۱۳۹۰)



۴. اضافه‌نویسی صفر و جایه‌جایی محل آن

در گروهی از اسناد، عدد صفر در کنار رقم دهگان یا صدگان (جایی که نیازی به ذکر آن نیست) نوشته شده است که این مسئله موجب ایجاد تواریخی به شکل پنج رقمی یا بیشتر شده است، مانند ۱۳۲۰۶، ۱۳۰۰۱، ۲۰۱ و ۱۳. در این دسته از اسناد گاهی، علاوه بر آنکه صفر اضافه می‌شود تغییراتی در جایگیری آن در رقم تاریخ نیز ایجاد می‌شود مانند قرار گرفتن سه صفر روی هم در سمت چپ رقم هزارگان، قرار گرفتن دو صفر در بالای تاریخ و مانند آن (جدول ۴).

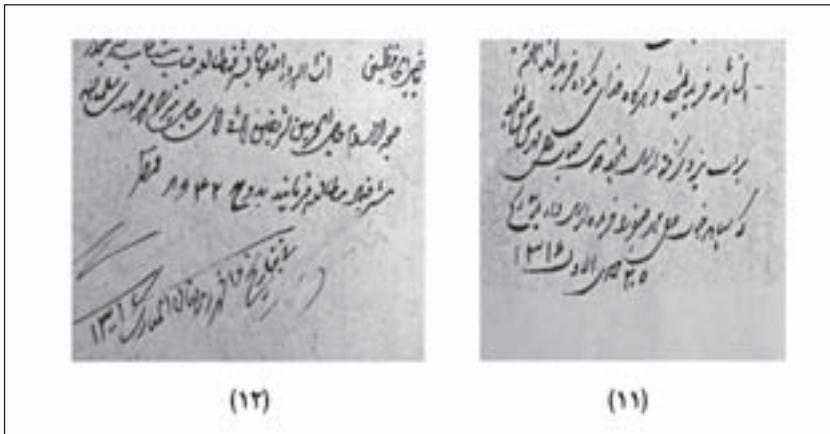
ممکن است رقم تاریخ با این شکل تحریری با مقداری دقت و عادت چشم قابل تشخیص باشد، ولی به هر حال نشان دهنده تمایل کاتبان به بازی با رقم تاریخ بدون توجه به ابهام آفرینی آن است. این شکل، در ۲۹ مورد از اسناد تکرار شده بود، که ۱۸ مورد مربوط به مرکز ایران، ۶ مورد مربوط به فارس و ۵ مورد شمال ایران بود. منطقه شمال غرب ایران در این گروه نیز مورده را به خود اختصاص نمی‌دهد.

اگرچه در میان اسناد بررسی شده شمال غرب ایران هیچ‌کدام از اشکال تحریری مذکور به چشم نمی‌خورد، ولی به نظر می‌رسد بررسی در تعداد بیشتری از اسناد این منطقه، این ویژگی را در میان آنها نیز نمایان خواهد ساخت.

جدول ۴

فراوانی پرسنل مناطق

| شمال | شمال غرب | فارس | مرکز |
|-----------|----------|-----------|---------------------------|
| شمال | شمال غرب | فارس | مورد |
| ۵ مورد | | ۶ مورد | ۸۱ مورد |
| نمونه‌ها: | | نمونه‌ها: | نمونه‌ها: |
| | | | ۱۳۲۰۸ |
| | | | ۱۳۲۰۶ |
| | | | ۱۳۱۰۶ |
| | | | ۱۳۱۰۵ |
| | | | ۱۳۱۰۴ |
| | | | ۱۳۱۰۳ |
| | | | ۱۳۱۰۲ |
| | | | ۱۳۱۰۱ |
| | | | ۱۳۱۰۰ |
| | | | ۱۳۱۰۲ |
| | | | ۱۳۱۰۲ |
| | | | ۱۳۱۰۳ |
| | | | ۱۳۱۰۴ |
| | | | ۱۳۱۰۵ |
| | | | ۱۳۱۰۶ |
| | | | ۱۳۱۰۷ |
| | | | ۱۳۱۰۸ |
| | | | ۱۳۱۰۹ |
| | | | ۱۳۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۲۰ |
| | | | ۱۳۱۲۱ |
| | | | ۱۳۱۲۲ |
| | | | ۱۳۱۲۳ |
| | | | ۱۳۱۲۴ |
| | | | ۱۳۱۲۵ |
| | | | ۱۳۱۲۶ |
| | | | ۱۳۱۲۷ |
| | | | ۱۳۱۲۸ |
| | | | ۱۳۱۲۹ |
| | | | ۱۳۱۳۰ |
| | | | ۱۳۱۳۱ |
| | | | ۱۳۱۳۲ |
| | | | ۱۳۱۳۳ |
| | | | ۱۳۱۳۴ |
| | | | ۱۳۱۳۵ |
| | | | ۱۳۱۳۶ |
| | | | ۱۳۱۳۷ |
| | | | ۱۳۱۳۸ |
| | | | ۱۳۱۳۹ |
| | | | ۱۳۱۴۰ |
| | | | ۱۳۱۴۱ |
| | | | ۱۳۱۴۲ |
| | | | ۱۳۱۴۳ |
| | | | ۱۳۱۴۴ |
| | | | ۱۳۱۴۵ |
| | | | ۱۳۱۴۶ |
| | | | ۱۳۱۴۷ |
| | | | ۱۳۱۴۸ |
| | | | ۱۳۱۴۹ |
| | | | ۱۳۱۵۰ |
| | | | ۱۳۱۵۱ |
| | | | ۱۳۱۵۲ |
| | | | ۱۳۱۵۳ |
| | | | ۱۳۱۵۴ |
| | | | ۱۳۱۵۵ |
| | | | ۱۳۱۵۶ |
| | | | ۱۳۱۵۷ |
| | | | ۱۳۱۵۸ |
| | | | ۱۳۱۵۹ |
| | | | ۱۳۱۶۰ |
| | | | ۱۳۱۶۱ |
| | | | ۱۳۱۶۲ |
| | | | ۱۳۱۶۳ |
| | | | ۱۳۱۶۴ |
| | | | ۱۳۱۶۵ |
| | | | ۱۳۱۶۶ |
| | | | ۱۳۱۶۷ |
| | | | ۱۳۱۶۸ |
| | | | ۱۳۱۶۹ |
| | | | ۱۳۱۷۰ |
| | | | ۱۳۱۷۱ |
| | | | ۱۳۱۷۲ |
| | | | ۱۳۱۷۳ |
| | | | ۱۳۱۷۴ |
| | | | ۱۳۱۷۵ |
| | | | ۱۳۱۷۶ |
| | | | ۱۳۱۷۷ |
| | | | ۱۳۱۷۸ |
| | | | ۱۳۱۷۹ |
| | | | ۱۳۱۸۰ |
| | | | ۱۳۱۸۱ |
| | | | ۱۳۱۸۲ |
| | | | ۱۳۱۸۳ |
| | | | ۱۳۱۸۴ |
| | | | ۱۳۱۸۵ |
| | | | ۱۳۱۸۶ |
| | | | ۱۳۱۸۷ |
| | | | ۱۳۱۸۸ |
| | | | ۱۳۱۸۹ |
| | | | ۱۳۱۹۰ |
| | | | ۱۳۱۹۱ |
| | | | ۱۳۱۹۲ |
| | | | ۱۳۱۹۳ |
| | | | ۱۳۱۹۴ |
| | | | ۱۳۱۹۵ |
| | | | ۱۳۱۹۶ |
| | | | ۱۳۱۹۷ |
| | | | ۱۳۱۹۸ |
| | | | ۱۳۱۹۹ |
| | | | ۱۳۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۲ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۳ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۴ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۵ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۶ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۷ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۹ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۰ |
| | | | ۱۳۱۱۱۱۱ |



تصویر ۱۱

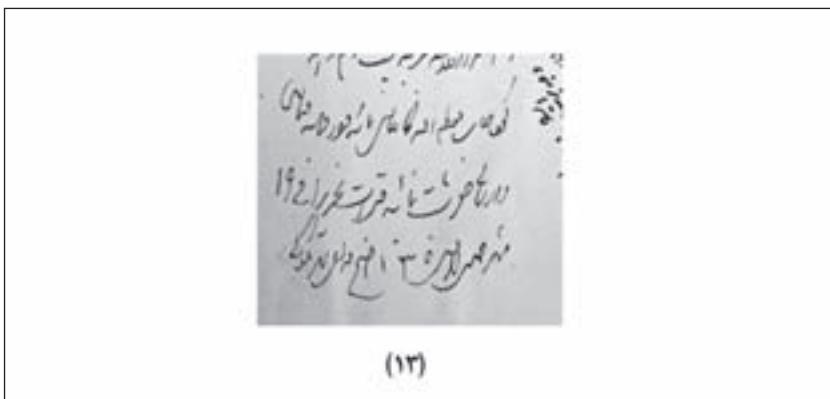
اضافه نویسی صفر

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سید عبدالله ناصری، پیش از پردازش)، ۱۳۹۰

تصویر ۱۲

اضافه نهیں۔ صفحہ

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، علی طهماسبی،
(بیش از بی داشت)، ۱۳۹۰)



تصویر ۱۳

حاجه، صفحه

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سید عبدالله
ناصری)، (بیش از پردازش)، (۱۳۹۰)



تصویر ۱۶

اضافه نویس - مجاہد

(سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت الله عبادی) (بیش از پاداش)، (۱۳۹۰)

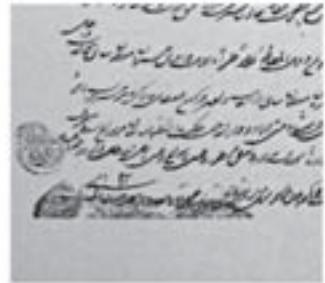
١٥ تصویر

فیضانی

سازمان استناد و کتابخانه ملی، نعمت‌الله عبادی،
(سیش از بردارش)، ۱۳۹۰

تصویر ۱۶

جایجایی محل صفر
سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت الله
عبادی، (پیش از پردازش)، ۱۳۹۰



(۱۶)

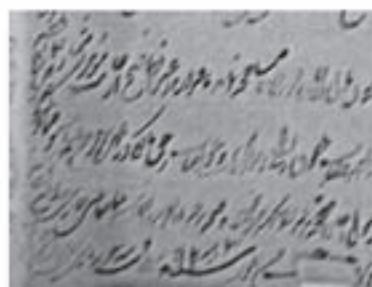
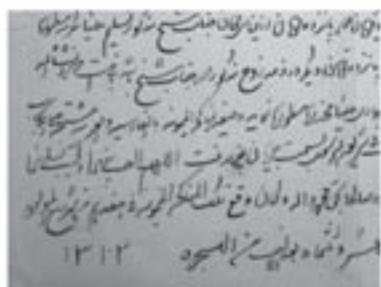
تصویر ۱۷

اضافه‌نویسی صفر و جایجایی محل آن
سازمان اسناد و کتابخانه ملی، جعفر ملک
محمدی، (پیش از پردازش)، ۱۳۹۰

(۱۷)

تصویر ۱۸

اضافه‌نویسی صفر و جایجایی محل آن
سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نعمت الله
عبادی، (پیش از پردازش)، ۱۳۹۰



(۱۸)

تصویر ۱۹

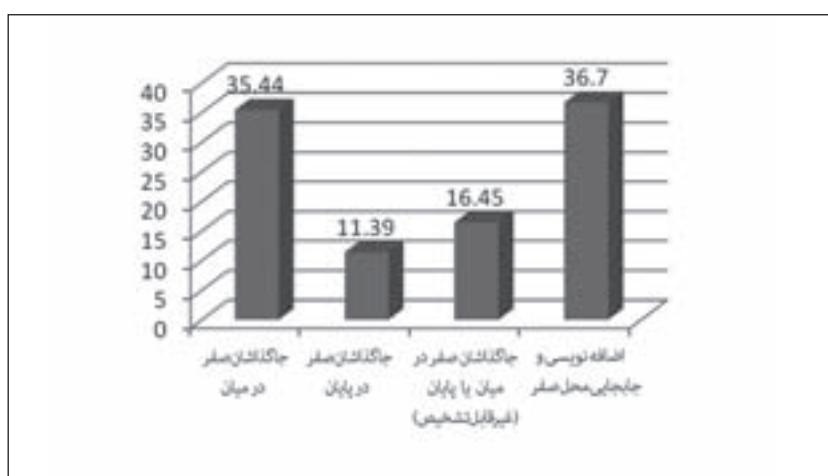
اضافه‌نویسی صفر
سازمان اسناد و کتابخانه ملی، جعفر ملک
محمدی، (پیش از پردازش)، ۱۳۹۰

(۱۹)

همچنین، نمودار زیر به مقایسه کلی درصد تکرار اشکال چهارگانه تحریری صفر در این اسناد می‌پردازد:

نمودار ۱

مقایسه کلی درصد تکرار
اشکال تحریری صفر



عدد صفر در متون علم حساب در دوران قاجار

همانطور که قبل اشاره شد یکی از بخش‌های پژوهش حاضر بررسی متون ریاضی و علم حساب در دوران قاجار است. این بررسی درجهت پاسخ به این پرسش‌ها صورت گرفت که :

۱. آیا موضوع تغییرات نگارشی عدد صفر ممکن است در متون علمی مربوط به حساب و ریاضی در دوران قاجار نیز اتفاق افتاده باشد؟

۲. این متون و نسخ درباره خواص عدد صفر و نحوه جای‌گیری آن در مجموعه اعداد چه اطلاعات دیگری به دست می‌دهند؟

براین اساس آثار زیر مورد مطالعه قرار گرفتند:

کفايه الحساب، به تاریخ ۱۲۹۱ قمری و بایه الحساب به تاریخ ۱۳۱۱ قمری؛ دو اثر منسوب به نجم الدوله میرزا عبد‌الغفارخان، معلم علوم ریاضی در مدرسه دارالفنون و ناصری. نویسنده در اثر نخست، درباره رقم صفر می‌نویسد: «...و رقم صفر بذاته قدری ندارد و لیکن مستعمل است برای حفظ مراتب سایر ارقام چنانچه بنمایند آحاد مختلفه را که منظور است» (میرزا عبد‌الغفارخان نجم‌الملک منجم‌باشی، ۱۲۹۱ق، ص۶). این مطلب در بایه الحساب بدین شکل تکرار می‌شود: « صفر فی حد ذاته قدری ندارد ولی قائم مقام مراتب مفقوده عدد می‌شود» (میرزا عبد‌الغفارخان، ۱۳۱۱ق، ص۱۵).

در کتاب ارشاد الحساب، اثر میرزا محمدخان سرتیپ توپخانه، در سال ۱۳۲۶ قمری، درباره صفر اینگونه آمده است: «جميع اعداد ممکنه بواسطه نه شکل ذیل نموده می‌شوند و این شکل (۰) که صفر نامند.

۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

یک دو سه چهار پنج شش هفت هشت نه

فایده صفر چیست؟ فایده صفر آنست که چون در یمین رقم یا عددی نوشته شود در هر مرتبه مقدار آنرا ده برابر [اویاد] می‌نماید (چنانکه ۹ بواسطه وضع یک صفر در یمین آن ۹۰ نمود می‌شود و دو صفر ۹۰۰ نهصد می‌گردد) (میرزا محمدخان، ۱۳۲۶ق، صص ۵-۶). همچنین، عبدالوهاب ابن محمد امین الشاهنشانی الحسينی الاصفهانی در بحر الجواهر فی علم الدفاتر، در سال ۱۲۸۷ قمری نوشت: «...و هر مرتبه که خالی است صفری در آن محل می‌گذارند به این صورت (۰) مثلاً دوازده را به این صورت ۱۲ و ده را به این صورت ۱۰ و دو هزار و چهارصد و پنج را به این صورت ۲۴۰۵» (الشاهنشانی، ۱۲۸۷، ص۶).

بنابراین، آنگونه که رساله‌های ریاضی دوران قاجار با ما سخن می‌گویند، اگرچه هویت و جایگاه عدد صفر در سلسله اعداد، نه به عنوان یک عدد، بلکه به عنوان پرکننده



مراتب خالی از عدد تعریف شده است، در هیچ کدام از این متون اشاره نشده که می‌توان عدد صفر را در یک مقدار عددی کم یا زیادتر نوشت یا موقعیت و جایگاه آن را تغییر داد؛ چرا که این تغییرات در منطق ریاضی به طور کلی عدد را تغییر خواهد داد.
اما ز میان نسخه‌های مورد بررسی رساله در علم سیاق^۱، اثر محمد مهدی بن محمد رضا، مطلب را روشن‌تر توضیح می‌دهد:

«...و چون آحاد و عشرات با یکدیگر باشند بی صفر نویستند بدین موجب اول آحاد گیرند دوم عشرات ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱ و چون عشرات و مائت با یکدیگر باشند صفر بر سر عشرات نهند مات را حاجت نباشد بدین ترتیب ۱۱۰ صد و ده باشد و اگر عشرات و مائت و الوف با یکدیگر باشند بدین سطر ۱۱۱۰ و اگر مائت و الوف باشند بر مائت صفر نهند که مقدم است بر الوف بدین شکل: ۱۱ (محمد مهدی بن محمد رضا، بی‌تا، ص ۲۲).
با اندکی دقت در این مطلب مشخص می‌شود که برای مثال قراردادن صفر آن هم در جایی که نیازی به آوردن آن نیست، مانند ۱۳:۲۰۱ برای ذکر تاریخ ۱۳۲۱ که در اسناد به کرات و نیز به اشکال دیگر اتفاق افتاده است در متون علمی این دوران مورد تایید نیست. البته موضوع مهم دیگر در این اثر آن است که نویسنده با وجود ذکر این مطلب، در نگارش اعداد صفرداری مانند ۱۰۰۰۰۰۰ صفرها را به صورت ردیفی در زیر یا کنار عدد نوشته است (تصویر ۲۰) که این مسئله همانطور که قبلًا هم ذکر شد در اسناد نیز در بسیاری موارد اتفاق افتاده است (تصویر ۲۱).

۱. این اثر در کتابخانه ملی فاقد تاریخ است اما محمد تقی داش پژوه در مطلبی با عنوان «دیری و نویسنده»، مجله هزو و مردم، ۱۰۰-۹، (۱۳۵۰)، ص ۴۸-۵۱ تاریخ این نسخه را از همین نویسنده در کتابخانه ملی مک ۱۲۲۴ قمری یعنی متعلق به دوران قاجار معرفی می‌کند.

<http://ichodoc.ir/p-a/CHANGED/104/html/104-48.htm>

تصویر ۲۰

برگی از رساله در علم سیاق
باشیوه جایه جایی صفر

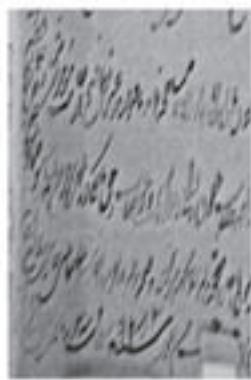
(۲۰)



تصویر ۲۱

یکی از اسناد با ویرگی
جایه جایی مکان صفر

(۲۱)



بحث و نتیجه‌گیری

در میان اسناد تاریخی دوران قاجار و نیز قبل از آن اسنادی وجود دارند که تاریخ کتابت سنده آنها به دلیل حذف، جایه‌جایی یا اضافه نوشتن عدد صفر مبهم و غیرقابل تشخیص است. پژوهش حاضر با هدف بررسی این مسئله و دلایل آن با رویکرد آماری صورت گرفته است. در این باره مطالعات و بررسی‌های مقایسه‌ای نیز در چندین متن علم ریاضی و حساب در دوره قاجار به منظور یافتن شواهدی از این مسئله در متون علمی و نیز بررسی خواص عدد صفر و نحوه جای‌گیری و عملکرد آن در سلسله اعداد صورت پذیرفت.

بررسی ۱۰۰۰ برگ سنده تاریخ دار دوره قاجار که از چهار منطقه ایران (مرکز، فارس، شمال‌غرب، و شمال) انتخاب شده بودند، وجود تاریخ‌های کتابت مبهم، ناقص و غیرقابل تشخیص- به دلیل حذف، جایه‌جایی یا اضافه‌نویسی عدد صفر- توسط کاتبان را در ۷/۹ درصد از اسناد مشخص نمود که در چهار شکل تحریری جاگذاشتن صفر در میان رقم تاریخ کتابت، جاگذاشتن صفر در پایان رقم تاریخ کتابت، جاگذاشتن صفر در میان یا پایان رقم تاریخ (غیرقابل تشخیص)، و جایه‌جایی و اضافه‌نویسی صفر طبقه‌بندی شد. اگرچه در اسناد منطقه شمال‌غرب این شیوه کتابت تاریخ سنده نیز نشد، به نظر می‌رسد این مسئله به دلیل محدود بودن تعداد اسناد بوده و بدون شک جست‌وجو و بررسی در حجم بیشتری از اسناد این منطقه این ویژگی را در میان آنها نیز نمایان خواهد ساخت.

همچنین، مطالعات مقایسه‌ای صورت گرفته در چندین متن ریاضی و متن حساب دوره قاجار نتایج زیر را در برداشت:

۱. بیان ویژگی‌ها و خواص عدد صفر و نحوه عملکرد و جای‌گیری آن در سلسله اعداد؛

۲. در هیچ‌یک از متون بررسی شده مطلبی درباره امکان حذف یا اضافه‌نویسی صفر در یک مقدار عددی وجود نداشت و بر عکس بر عدم لزوم قراردهی صفر در مرتبی که مورد نیاز نیست تأکید شده بود. مانند عبارات «چون عشرات و مائت با هم باشند صفر بر سر عشرات نهند مائت را حاجت نباشد...» و «اگر مائت و الوف باشند بر مائت صفر نهند که مقدم است بر الوف...» که در نسخه خطی رساله در علم سیاق اثر محمد‌مهدی بن محمد رضا ذکر گردیده بود.

بنابراین، بخشی از پاسخ فرضیه فرعی این پژوهش مبنی بر امکان وجود این شیوه نگارش اعداد در رساله‌های ریاضی و متون علمی دوره قاجار منفی می‌باشد. از میان اشکال چهارگانه‌ای که در این پژوهش در کتابت تاریخ اسناد مشاهده شد، تنها جایه‌جایی صفر،



آن هم فقط در مرتبه مکانی خود و بدون تغییر مقدار و کمیت عدد در رساله در علم سیاق مشاهده شد. از این رو، به نظر می‌رسد از آنجاکه اندکی جایه‌جایی یا به اصطلاح بالا و پایین نوشتمن عدد صفر در یک مقدار عددی کمیت آن را تغییر نمی‌دهد، از نظر علمی و در متون ریاضی این دوران خالی از اشکال بوده و نویسنده یک اثر علمی نیز این شیوه را به کار برده است.

بنابراین، در تأیید فرضیه اصلی مقاله شاید بتوان تنها دلیل این مسئله را در سلایق شخصی و فنون و شیوه‌های فردی کاتبان نسخ و اسناد و شاید ناشی از کمبود فضای نگارش، نیاز به تندنویسی و شکسته‌نویسی به دلیل حجم زیاد اسناد، و یا کم دقیق ناشی از آن دانست.

همچنانی، در این پژوهش مشخص گردید که صفر و علامت آن از قرن‌ها قبل از دوره قاجار یعنی از قرون سوم و چهارم قمری و حدائق پس از نگاشته شدن کتاب‌های حساب الجبر و المقابلة، اثر خوارزمی و اصول حساب هنایی، اثر کوشیاری‌بن لیان کاملاً شناخته شده بوده است و دستکاری‌های کاتبان همچون حذف یا اضافه‌نویسی این عدد در تاریخ کتابت اسناد دوره قاجار نه به دلیل ناآشنایی آنان با ویژگی‌ها و اهمیت این عدد در مجموعه اعداد بلکه همان‌طور که در بالا اشاره شد ناشی از شیوه‌ها و سلایق شخصی آنان در امر کتابت، تندنویسی، و شکسته‌نویسی یا کم دقیق ناشی از آن بوده است.

بدین لحاظ، در خصوص تشخیص تاریخ اینگونه اسناد، تنها راه پیش‌روی پژوهشگر یا فهرست‌نویس، توجه به سایر شواهد و قرائن محتوایی و صوری موجود در سند از قبیل اشارات تاریخی، اسمای اماکن، اعلام جغرافیایی، اصطلاحات اجتماعی و اداری، خط و طغراها، سجع مهرها، و سایر آداب نگارش و صدور اسناد باشد.

منبع

- باقری، محمد(۱۳۶۶).*اصول حساب هنایی*(ترجمه فارسی و متن عربی). تهران: علمی و فرهنگی.
دورانست، ویل(۱۳۷۸).*یونان باستان*(چ۲). (امیرحسین آریان پور و دیگران، مترجمان). تهران: علمی و فرهنگی.
دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۷۷).*لغت‌نامه*(چ۱۰).(چ۲). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
سالوی، دیلیپ(۱۳۸۶).*داستان صفر*(سیامک کاظمی، مترجم). بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
الشاهنشانی الحسینی‌الاصفهانی، عبدالوهاب ابن محمد‌امین(۱۲۸۷).*بحر الجواهر فی علم الدفاتر*. بی‌جا: قائم مقامی، جهانگیر(۱۳۵۰).*مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
محمد مهدی بن محمد رضا. رساله در علم سیاق. نسخه خطی، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران شماره

بازیابی ۱۵۹۲۷



مختاری اسکی، غلامرضا(۱۳۸۴). فرهنگ ریاضیات پایه، تهران: فرهنگان.
مصاحب، غلامحسین(۱۳۸۰). دایره المعارف فارسی(ج ۲). بخش اول (ج ۲). تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی.
میرزا محمدخان(۱۳۲۶ق). ارشاد الحساب. بی جا: بی نا.
میرزا عبدالغفارخان(۱۳۱۱ق). بدایه الحساب. طهران: بی نا.
میرزا عبدالغفار خان (۱۲۹۱ق). کفایه الحساب. طهران: بی نا

<http://ichodoc.ir/p-a/CHANGED/104/html/104-48.htm>

